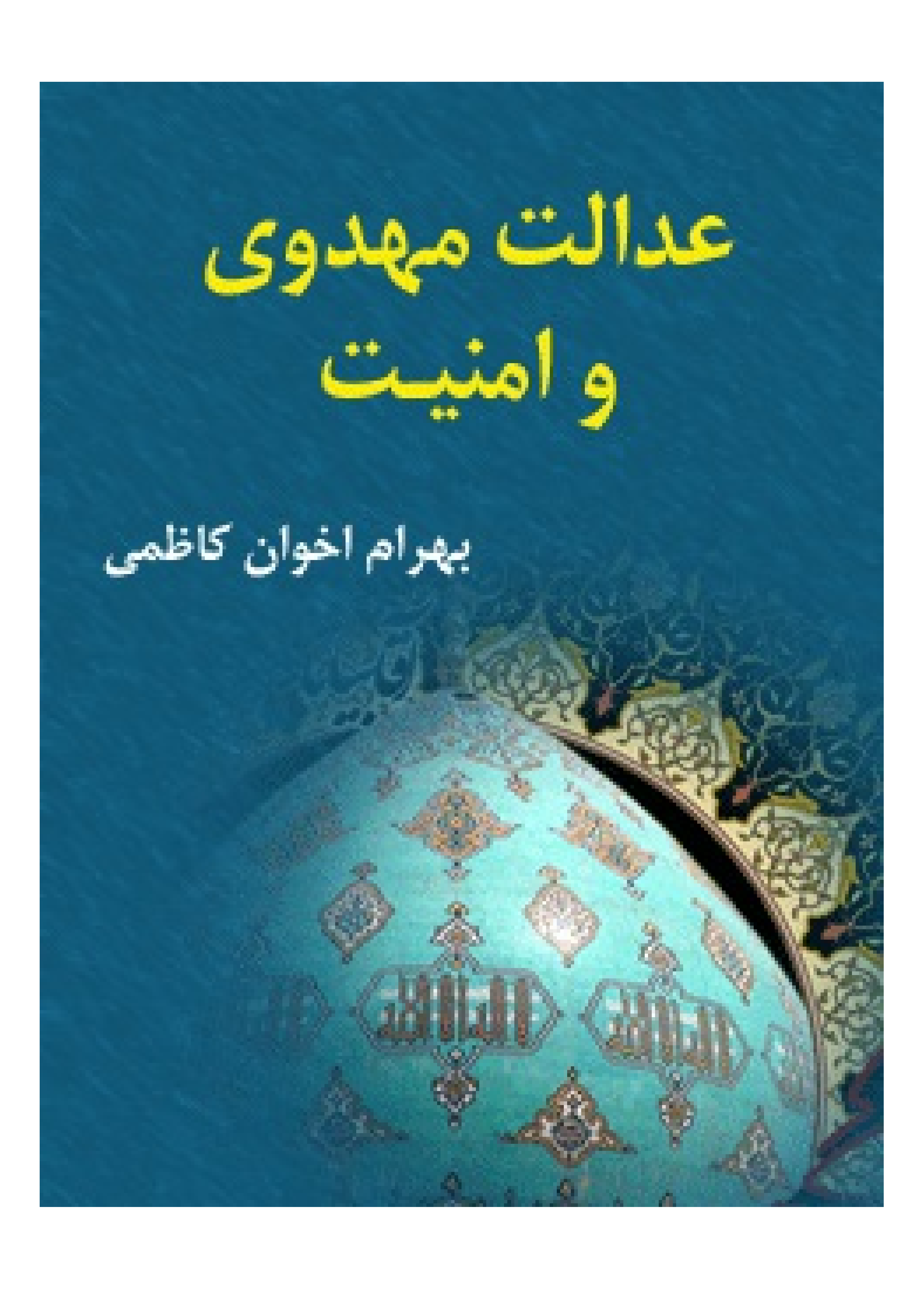

عدالت مهدوی
و امنیت
بهرام اخوان کاظمی


بسم الله الرحمن الرحیم

عدالت مهدوی و امنیت

نویسنده:

بهرام اخوان کاظمی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیهالسلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

عدالت مهدوی و امنیت

مشخصات کتاب

نویسنده : بهرام اخوان کاظمی
ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

چکیده

در منابع اسلامی آیات و روایات زیادی درباره اهمیت دو مقوله اساسی و حیاتی عدالت و امنیت و جایگاه رفیع آنها در تمام ابعاد زندگی بشری وارد شده است. از سویی، عدالت و امنیت از برترین و مقدمترین نعمتها و دستاوردهایی است که توسط امام موعود (عج) به بشریت و آن هم در فراخنای گیتی هدیه خواهد شد. انقلاب مصلحانه حضرت در راستای تکمیل دیانت و رسالت نبوی و امامت اصلاحگرایانه ائمه معصومین (ع)، این نهضت را به پایان خواهد برد و تمام اقوام و ملل و آحاد بشری بدون هیچگونه تبعیض و گزینشی طعم و حلاوت عدالت و امنیت مهدوی را خواهند چشید و اسلام دین فراگیر خواهد شد و در جایگاه عادلانه و بایسته خود خواهد نشست.در این مقاله برای فهم وضعیت و نوع حکومت مهدوی و در عصر ظهور و شناخت شاخصههای آن از جمله عدالت و امنیت و تعامل این دو مفهوم، از دو راه تفحص در روایات پیرامون عصر ظهور و دیگری مراجعه به سیره نظری و عملی پیامبر (ص) و سایر معصومین (ع) و به ویژه امام علی (ع) اقدام شده است.

مقدمه

با نگاهی گذرا به روایات بسیاری که درباره امام مهدی (عج) و عصر ظهور ایشان وارد شده، به خوبی این نکته درک می‌شود که عدالت و امنیت از برترین و مقدم‌ترین نعمت‌ها و دستاوردهایی است که توسط امام موعود (ع) به بشریت هدیه خواهد شد. ذکر این مسئله در روایات از تواتر بسیار بالایی برخوردار است. با توجه به اهمیت این موضوع، نوشتار حاضر تلاش دارد با نیم نگاهی به ماهیت، معانی و منزلت این دو مفهوم در اندیشه اسلامی، جایگاه آن‌ها را نیز در حکومت مهدوی تا حدی روشن نماید.

بی‌عدالتی و ناامنی از شاخصه‌های اصلی دوره پیش از ظهور

بررسی زمینه‌های تاریخی بروز و تثبیت بی‌عدالتی و ناامنی در جهان اسلام، مسئله مهمی است که باید به اساس و دلایل اساسی این پدیده اشاره کرد.ظهور اسلام در عصر جاهلی و حرکت عظیم تمدنساز پیامبر اکرم (ص) در طول بیست‌وسه‌سال مجاهدت ایشان گرچه به اصلاحات و ترقیات اساسی در عصر و اجتماع آن روز پدید آورد، ولی متأسفانه باید اذعان داشت که در تمام این مدت، عناصر منحط و فرصت‌طلب و مرتجع با مقاومت فعالانه در برابر این جنبش، به دنبال زنده کردن ریشه‌های جاهلیت و شرک و اشرافیت پیشین بودند. این باندهای سیاسی ـ اقتصادی فاسد یا در ساختارهای جدید حل و هضم نشدند و یا این‌که فریبکارانه خود را جزو گروندگان و مؤمنان به اسلام جای زدند. این حرکت‌های منافقانه و ریاکارانه، همواره مایه نگرانی پیامبر (ص) بود. با ارتحال آن رهبر الهی، ریشه‌ها و حرکت‌های گذشته جاهلی دوباره سربرآورد و انقلاب و نهضت انسان ساز و معنوی نبوی را کند یا منحرف ساخت.برخی نمونه‌های مهم این انحراف عبارتند از به شهادت رساندن سه امام نخستین تشیع و بروز فاجعه کربلا، به ترتیب در سال‌های ۴۰، ۴۹ و ۶۱ هجری که بزرگ‌ترین خسارت‌ها را به عالم اسلامی وارد ساخت.انحراف سیاسی امت اسلامی و عامل

اساسی تثبیت بی‌عدالتی و ناامنی ماجرای سقیفه در نیمه اول هجری است. در آن جریان برخی پس از تمرد از دستور و نص صریح نبوی مبنی بر اولویت امام علی (ع) برای جانشینی، امامت و ولایت در عرصه ظاهری و دنیوی را از امام (ع) غصب کردند. پس از آن، با احیای ریشه‌های ارتجاعی زندگی سیاسی ـ اجتماعی جاهلی و قبیله‌ای، روند برگشت به این دوران تیره آغاز و دنبال شد.تبدیل خلافت به ملوکیت و تبعات منفی بعدی آن، انحراف‌های برخاسته از قضیه سقیفه را کامل کرد. هم‌چنین با افزایش گمراهی مردم و هواپرستی و هوس زدگی آن‌ها بر اثر سیاست‌های وقت خلفا و حاکمان ستمگر، امام معصوم (ع) کم‌کم یاوری مردمی را از دست دادند و در جوی پر از بی‌عدالتی و ناامنی و خفقان، در نهایت مظلومیت به شهادت رسیدند. از سوی دیگر، این شرایط نامساعد منجر به غیبت امام عصر (عج) گردید. تا پیش از آن، سیاست فشار و اختناق، امامان (ع) را وادار کرده بود تا فعالیت خود را در نهان پی بگیرند و گفتار و کردار خویش را همراه با تقیه، در پوشش کتمان و رمز حفظ کنند.امام مهدی (ع) در چنین فضایی، در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری به دنیا آمد. پنج‌سال از عمر شریف ایشان در زمان حیات پدر بزرگوارش ـ هنگامی که دستگاه حاکم خلفای عباسی امام عسکری را به زندگی مخفیانه و محتاطانه واداشته بود ـ گذشت.در نهایت، به خاطر فشارهای مذکور و گمراهی مردم و همراهی نکردن آن‌ها، غیبت صغرا از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ هجری به طول انجامید و امام پس از گذشت تقریباً ۷۰ سال از غیبت صغری، از سال ۳۲۹ تا کنون در غیبت کبری به سر می‌برد، تا با اجازه الهی ظهور یافته و زمین را پر از عدل و امان نماید.می‌توان اضافه کرد که با حذف علی (ع) از صحنه خلافت توسط خودکامگان چیره، زمینه تحریف شریعت اسلامی و مسخ عدالت آرمانی آغاز شد. به یقین می‌توان خودکامگی و زورمداری را به عنوان بزرگ‌ترین عامل این تحریف و گسترش جو ناامنی فیزیکی و روانی در جهان اسلام به شمار آورد. این واقعیت دارد که بخش گسترده‌ای از تاریخ نظام‌های سیاسی به نظام‌های خودکامه اختصاص دارد، حکومت‌هایی که شیوه اعمال قدرتشان مبتنی بر زور و چیرگی خشونت‌آمیز و اجبار بوده و به دلیل بی‌عدالتی، نامشروع بوده‌اند. چنین حکومت‌هایی مجبور بوده‌اند برای مشروع و موجه نشان دادن خود، به تحریف دین، مفهوم عدالت و حذف مصادیق و اسوه‌های معصومان (ع) بپردازند و عملاً نیز در کار خویش تا پیش از عصر ظهور، به توفیق دست یافتند. اینان به نفعِ امنیتِ کاذب در سایه شمشیر، عدالت آرمانی را مسخ کردند و عقب راندند. در سایه چنین خفقانی، ائمه یازده‌گانه را به شهادت رسانده و بسیاری از منادیان حق و رهروان آن‌ها را شهید، شکنجه و تبعید نمودند یا این که با افترا و تهمت و ناسزا آنان را از میدان به‌در کردند. [۱] .از سوی دیگر، یکی از عوامل پدیدآورنده ناامنی در جهان اسلام، تهدیدها و حملات پی‌درپی، علیه این دین بوده است. اسلام در طول تاریخ، پیوسته درگیر معارضان و مخالفان سرسخت و کینه‌توز، داخلی و خارجی بوده است. این درگیری و منازعه از گذشته تاکنون به‌طور مداوم ادامه داشته است. اساساً موقعیت جغرافیایی دارالسلام از همان ابتدای ظهور و گسترش، به گونه‌ای بود که آن را در معرض تاخت و تازها و حملات پی‌درپی و سهمگین قرار می‌داد. حملاتی چون تهاجم مغول‌ها، جنگ‌های تحمیلی صلیبی، هجوم گسترده و همه جانبه استعمار غربی به جهان اسلام و اشغال مستقیم بلاد اسلامی (قرن ۱۹م/ ۱۳هـ)، تثبیت ناامنی، ایجاد رکود اقتصادی ـ اجتماعی، تخریب بنیان‌های فرهنگی و اجتماعی و به طور کلی انحطاط داخلی مشرق و جهان اسلام را به دنبال داشت که تأثیرات منفی و عقب نگهدارنده آن‌ها، تا به امروز باقی است.در بسیاری از روایات منقول از پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) از بروز ناامنی‌ها، بی‌عدالتی‌ها، جنگ‌ها، هرج و مرج‌ها و فتنه‌های فراوان، به عنوان ملاحم و نشانه‌های ظهور مهدی موعود (عج) و ویژگی‌های عصر غیبت یاد شده است. [۲] به عنوان نمونه امام علی (ع) در این زمینه فرموده است:او [حضرت مهدی (عج)] خواسته‌ها را تابع هدایت وحی می کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار می‌دهند. در حالی که به نام تفسیر، نظریه‌های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می‌کنند، او نظریه‌ها و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد.در آینده، آتش جنگ میان شما افروخته می‌گردد و چنگ و دندان نشان می‌دهد. با پستان‌هایی پُر شیر که مکیدن آن شیرین، امّا پایانی تلخ و زهراگین دارد، به سوی شما می‌آید. آگاه باشید؛ فردایی که شما را از آن هیچ شناختی نیست، زمامداری

حاکمیّت پیـدا می‌کنـد که غیر از خاندان حکومت‌های امروز است و عمّال و کارگزاران حکومت‌ها را بر اعمال بدشان کیفر خواهد داد. زمین میوه‌هـای دل خود را برای او بیرون می‌ریزد و کلیـدهایش را به او می‌سپارد. او روش عادلانـه در حکومت حق را به شـما می‌نمایاند و کتاب خدا و سنّت پیامبر (ص) را که تا آن روز متروک مانده‌اند، زنده می‌کند. [۳] .هم چنین از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که در پاسخ این پرسـش که چه موقعی قائم شـما قیام می‌کند، فرمود: «زمانی که دنیا را هرج و مرج فرا گیرد». [۴] .پیامبر (ص) در روایت دیگری به شـکل مفصل‌تری ناامنی و بی‌عـدالتی پیش از ظهور را چنین بیان فرموده است:منا مهـدی هـذه الامه اذا صارت الـدنیا هرجاً و مرجاً و تظاهرت الفتن و تقطعت السـبل و اغار بعضـهم علی بعض فلاکبیر یرحم صـغیراً و لاصـغیر یوقر کبیراً فیبعث الله عنـد ذلک مهـدینا التاسع من صـلب الحسـین یفتـح حصون الضـلاله و قلوباً غفلا یقوم فی الـدین فی آخرالزمان کما قمت به فی اول الزمان و یملاء الارض عدلاً کما ملئت جوراً. [۵] .مهدی این امت از ماست. هنگامی در دنیا هرج و مرج شده و فتنه‌ها آشکار شود و راه‌هـا مورد راهزنی قرار گرفته و بعضـی از مردم به بعض دیگر تهـاجم کننـد و بزرگ به کوچـک رحم نکنـد و کوچـک‌تر احـترام بزرگ‌تر را نگه ندارد، در چنین زمانی مهدی ما که نهمین امام از صـلب حسین است؛ برج و باورهای گمراهی و قلب‌های قفل شده را فتـح می‌کند و در آخرالزمان به‌خاطر دین قیام می‌کند؛ همان‌طور که من در اول زمان، بدین قیام مبادرت کردم. او زمینی را که از جور پر شـده، از عدل و داد، پر و سـرشار می‌سازد.در همین زمینه، محمدبن مسـلم می‌گوید، از اباعبدالله (ع) شـنیدم که می‌گوید:به درستی که برای قیـام قـائم مـا ـ که بر او درود باد ـ نشانه‌هایی است که خداونـد عزوجل آن‌ها را برای مؤمنان قرار داده است.فرد یاد شـده مجـدداً این علامت‌هـا از امام (ع) می‌پرسـد و ایشان نیز با اشاره به آیه ۱۵۵ سوره بقره، می‌گویـد:این‌که خداوند فرموده است: «قطعاً شـما را به چیزی [از قبیـل] ترس و گرسـنگی و کاهشـی در اموال و جان‌هـا و محصولات می‌آزماییم و مژده ده شـکیبایان را»؛ یعنی این‌که مؤمنـان پیش از خروج قائم این‌گونه مورد ابتلا و آزمایش قرار می‌گیرنـد. [۶] .شایسـته است پیش از این‌که به وضعیت عـدالت و امنیت در عصـر حکومت مهـدوی اشـاره کنیم، مروری کوتـاه بر تعاریف این دو مفهوم داشـته و جایگاه آن‌ها را در منابع اسلامی مورد بازخوانی قرار دهیم.

مفهوم و جایگاه عدالت

یکی از دشواری‌هـای بحث، مفهوم بنیـادی عـدالت، ابهـام در تعـاریف و معـانی آن است. البته این دشواری باعث نشـده که مکاتب دینی، سیاسـی، اجتماعی و... در ارائه نظرات خود در این باره کوتاهی ورزند. به عنوان نمونه، فلسـفه و اندیشه سیاسـی غرب در این زمینـه دارای میراثی غنی اسـت. گرچه در نظر برخی از اندیشـمندان این حـوزه، تعریـف و شـمارش همه معـانی عـدالت وهمی بیش نیست و این مفهوم دچـار ابهـامی لاعلاـج است. [۷] .امـا در انـدیشه اسـلامی کلمه عـدل را معمولاًـ با چنـد معنی و کاربرد مختلف اسـتفاده می‌کننـد که برگرفته از قرآن، سـنت نبوی و سـخنان امام علی (ع) است. این معانی عبارتنـد از: راستی، درستی، داد، موزون بودن، رعـایت تسـاوی و نفی هرگونه تبعیض، قراردادن و نهادن هر چیز در جای خویش، رعایت حقوق افراد و دادن حق به مقـدار، رعـایت اسـتحقاق‌ها در افـاضه وجود توسط خـدای متعال و...هم‌چنین در فرقه‌ها و گرایش‌های گوناگون در انـدیشه سیاسـی اسـلام (مانند فلسـفه سیاسـی، فقه سیاسـی، اندرزنامه نویسی، ادبیات سیاسی، تاریخ و فلسفه اجتماعی)، عدالت تعریف شده است. در آرای همه اندیشـمندان این نحله‌هـا و مکـاتب، تعـابیر متعـدد و همانـندی از مفهوم عـدالت ـ با تأسـی به قرآن و سـنّت ـ صورت گرفته که بخشی از آن‌ها به شرح زیر است:۱. عدالت، خصیصه ماهوی نظم الهی حاکم در کائنات؛ [۸] .۲. عدالت به معنای «وضع کلّ الشیء فی موضعه؛ قرار دادن هر چیز در جای خویش»؛۳. عـدالت به معنای «اعطاء کل ذیحق حقه؛ حق را به مقدار رساندن» و ایفای اهلیّت و رعـایت اسـتحقاق‌ها و نفی تبعیض و عـدم ترادف بـا برابری مطلق؛۴. عـدالت به معنـای اعتـدال‌گرایی، میانه‌روی و رعایت ملکات متوسط؛ [۹] .۵. عـدالت به معنای تعادل سه قوه در نفس و مـدینه و سپردن راهبری نفس و مـدینه به خرد و خردمنـدان؛۶. عدالت به

معنای راستی و راست‌کرداری و راست کردن؛۷. عدالت به معنای تناسب و تساوی جرم با مجازات در حوزه قضا؛ [۱۰] .۸. عدالت به معنای تأمین مصلحت عمومی به بهترین صورت ممکن و اصلی ترین مبنای تأمین عمران و امنیت؛ [۱۱] .۹. عدالت در مدینه، به معنای تقسیم برابر خیرات مشترک عمومی؛ [۱۲] .۱۰. عدالت به معنای «حُسن در مجموع» و کمال فضایل و جور به معنای «مجموعه و تمام رذایل»؛ [۱۳] .۱۱. عدالت به معنای تقوای فردی و اجتماعی و هم‌سازی با نظم الهی حاکم بر طبیعت؛۱۲. عدالت به معنای انصاف؛ [۱۴] .۱۳. عدالت به معنای عقد و قرار داد اجتماعی افراد، برای تقسیم کار در زندگی مدنی مبتنی بر شریعت؛ [۱۵] .۱۴. عدالت به معنای مفهومی همسان با عقل و خرد عملی؛ [۱۶] .۱۵. عدالت از دید فقها، به معنای ملکه راسخه‌ای که باعث ملازمت تقوا در ترک محرمات و انجام واجبات می گردد؛ [۱۷] .۱۶. عدالت به معنای استقامت در طریق شریعت.البته برخی از این تعریف‌ها از رواج و اجماع بیش‌تری برخوردار بوده است؛ برای مثال، امام علی (ع) و بیش‌تر اندیشمندان اسلامی از گذشته تا کنون اذعان داشته‌اند که «عدالت به معنای قرار دادن هر چیز در جای خویش و حق را به مقدار رساندن و ایفای اهلیّت و رعایت استحقاق‌هاست». بر مبنای این تعریف از عدل، هر چیز باید در جای مناسب خویش قرار گیرد و در جایگاه خود می‌بایستی به انجام وظیفه ویژه خود بپردازد. شاهد این مدعا این که در قرآن بر همین اساس در سوره کهف، از دو باغ سخن می‌رود که هر دو سبز و خرم بودند و میوه‌های فراوان به بار می‌آوردند، قرآن در وصف این دو باغ می‌فرماید:«هر دو باغ میوه‌های خود را به بار می‌آوردند و هیچ یک در این کار ظلم نمی‌کردند.» [۱۸] .یعنی باغ هم در حقیقت عادل است و عدالت آن به این معناست که در نظام هستی به وظیفه خود عمل می کند. همه موجودات دیگر نیز همانند این دو باغ بر پایه عدل استوارند. خواهیم دید که در عصر مهدوی، با حکمفرمایی عدالت، زمین و زمان و طبیعت نیز عدالت پیشه کرده و با عمل به وظایف بایسته خویش، بشر را به حداکثر بهره‌مندی از خودشان خواهند رساند و میوه‌ها و فایده‌های پنهان خود را برای بهینه‌ترین نوع استفاده به بشر تقدیم خواهند کرد.درباره بیان منزلت عدالت، به دلیل بدیهی و مبرهن بودن شأن والای عدالت، نیازی به توضیح فراوان نیست. تنها ذکر همین نکته بس که مبنا و زیربنای تمامی اصول، در همه اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلام، عدالت است. آیات الهی اشاره دارند که پیامبران را با مشعل‌های هدایت فرستادیم و به آن‌ها کتاب و میزان دادیم تا عدالت را برپا دارند. بنابراین چه بیانی رساتر از این‌که قرآن استقرار عدالت و گسترش آن را یکی از دو هدف اساسی و فلسفه بعثت انبیا ذکر کرده [۱۹] و آن را از صفات الهی و بارزترین خصیصه آفرینش و نیکوترین انسان معرفی کرده است. [۲۰] هم‌چنین اساس حکمیت و حکومت در قرآن، ایجاد قسط و عدل در جامعه است. از سوی دیگر، کثرت آیات و روایاتی که درباره عدل و کلمات مترادف و متضاد این واژه است، بیانگر اهمیت جایگاه این مفهوم در قرآن و احادیث ـ به‌ویژه موارد مرتبط با عصر ظهور ـ می‌باشد.

مفهوم و جایگاه امنیت

امنیت از مقوله‌های اساسی است که وجود آن در تمام ابعاد زندگی بشری به گونه‌ای قابل لمس و مؤثر احساس می‌شود و از دیرباز تا کنون در حیات انسانی منشأ تحولات و دگر گونی‌های فراوان شده است. ریشه لغوی این واژه از ثلاثی مجرد «امن»، و با مشتقاتی مانند «ایمان»، «ایمنی» و «استیمان» است. این واژه را به مفهوم اطمینان، آرامش در برابر خوف، تفسیر، تعریف و ترجمه کرده‌اند که تا حدود زیادی به واقعیت نزدیک است و شامل دو بعد ایجابی و سلبی در تعریف امنیت می‌شود. از یک سو اطمینان، آرامش فکری و روحی و از سوی دیگر فقدان خوف، دلهره و نگرانی ـ که موجب سلب آرامش و اطمینان می گردند ـ از کاربردهای دیگر این واژه است. [۲۱] هم‌چنین امنیت از موضوعات بسیار مهمی است که در قرآن و روایات به گستردگی آن اشاره شده است. صورت فارسی و عربی این کلمه به اَشکال «امنیت» و «امنیه» در متون اسلامی موجود نیست و بیش‌تر توجه به این موضوع با عبارات و مشتقاتی از ثلاثی مجرد «اَمِنَ» صورت پذیرفته است.در مجموع از ریشه یا کلمه «امن»، ۶۲ کلمه مشتق [۲۲] شده است و حدود

۸۷۹ بـار در قرآن به کـار رفته که از این تعـداد کار برد، ۳۵۸ مورد در آیـات مکی و ۵۲۱ مورد در آیات مـدنی است. [۲۳] .پیوند معنـایی ناگسسـتنی این اصـطلاح بـا کلمه‌هـای اسـلام، ایمـان و مؤمن نشان‌دهنـده اهمیت فوق‌العاده مفهوم امنیت است. مفهومی که علاوه بر قرآن و روایات، به وفور در ادعیه اسـلامی و شـیعی دیده می‌شود. آن‌چه بدیهی است در این مجال مختصر امکان پرداختن به کلیه ابعاد سیاسـی، اجتماعی، اقتصادی، قضایی و... امنیت، نه وجود دارد و نه لازم است.اما به صراحت می‌توان اذعان داشت، این مفهوم در منـابع اسـلامی، دارای عرصه وسـیعی بوده و قلمروهـای فردی و اجتمـاعی و زمینه‌هـای داخلی و خارجی، فکری و روحی، اخلاقی و اعتقادی، دنیایی و آخرتی را در بر می‌گیرد و با شاخص‌های ایجابی و سلبی، از هر دو زاویه قابل تعریف و دسترسی است و البته این امر نسبی است؛ نه مطلق. تـابع وضع و امکانـات و توانایی‌هـای هر فرد و جـامعه است و نبایـد آن را صـرفاً به امکانـات و تجهیزات نظـامی، بـا انـدازه‌های مـادی و فیزیکی یـا مقولاـت اقتصـادی وماننـد آن تعریـف کرد. بلکه مفهومی عمیق‌تر، ظریف‌تر و فراگیرتر از موضوعـات یـاد شـده داشـته و بر ابعـاد روحی، فکری، فرهنگی، اخلاـقی، معنوی و اعتقادی و ارزش‌های الهی نیز اتّکا و وابسـتگی کامـل دارد. قرآن و روایـات بیـانگر این نکته بسـیار مهم هسـتند که هرگونه امنیتی و در هر بعـد از ابعـاد آن، در ایمـان و اعتقـادات معنوی و الهی ریشه دارد و هر گونه نـاامنی در هر عرصه‌ای، بالاـخره ریشه‌اش به بی‌ایمـانی و صـفات متقابـل ایمـان مانند مشـرک، کفر، ظلم، اسـتکبار و... برمی‌گردد. هم‌چنین مؤمن و صـفات ایمانی، اصلی‌ترین خاستگاه صدور کُنش‌های امنیت‌زا است. می‌توان گفت، بسترسازی حیات معنوی طیبه و حسـنه برای تربیت و تهذیب افراد، چه در حوزه رفتارهای فردی و چه در عرصـههای اجتماعی و دوری آن‌ها از حیات سیئه و غیر ایمانی، اصلی‌ترین ساز و کار تأمین امنیت است. حال، چه در نظام اسلامی باشد، چه در عصـر مهـدوی و حکومت آخرزمان حضـرت مهـدی (عـج). این نظام باید تلاش کند با تشویق حیات مؤمنانه و پشتیبانی از مؤمنان و مقابله با دشـمنان جبهه ایمان، امنیت و عدالتی همه جانبه و فراگیر را برای همه شهروندان جامعه اسلامی و حتی غیرمسلمانانی که در پناه آن زنـدگی می‌کننـد، فراهم نماید. البته این کار باید بدون غفلت از زندگی دنیایی و با تأمین نیازهای این جهانی باشد تا بتواند زمینه ورود سـرشار از عافیت و سـلامت و ایمن از عذاب را به زندگی آن جهانی و اخروی آماده سازد. مشخص است که تا پیش از ظهور، انجـام کامـل و بهینه این امور توسـط حکومت‌هـای دنیـایی امکـان پـذیر نیست و این‌گونه آرمان‌هـای عالی الهی و بشـری به صورت کامل، تنها در عصـر حکومت مهـدی (عج) محقق خواهد شد.در قرآن کریم، آیات بسـیاری درباره اهمیت امنیت و جایگاه والاـی آن در زنـدگی فردی، اجتماعی اقتصادی و... انسان وارد شـده است که به کوتاهی، نمونه‌هایی از آن‌ها آورده می‌شود:الف) قرآن یکی از اهـداف برقراری حـاکمیت خـدا و جانشـینی صالحـان و طرح کلی امـامت را تحقـق امنیت معرفی کرده است:(وعـدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیسـتخلفنهم فی الارض کما اسـتخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امناً یعبدوننی ولایشـرکون بی‌شیئاً ((نور: ۵۵)«خداوند به کسانی از شـما که ایمان آورده و کارهای شایسـته کرده‌انـد، وعـده داده است که حتماً آنان را در این سـرزمین جانشـین [خود] قرار دهـد، همانگونه که کسانی که پیش از آنان بودند جانشـین [خود] قرار داد و آن دینی که برایشـان پسـندیده است به سودشان مسـتقر کنـد و بیمشان را به ایمنی مبـدل گردانـد [تا] مرا عبـادت کننـد و چیزی را با من شـریک نگرداننـد.»علامه طباطبایی درباره این آیه فرموده است:این آیه وعـده جمیل و زیبایی اسـت برای مؤمنـان که عمـل صالـح هم دارنـد. به آنان وعـده می‌دهـد که به زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درسـت می‌کنـد و زمین را در اختیارشـان می‌گـذارد و دینشان را در زمین متمکن می‌سازد و امنیت را جایگزین ترسـی که داشـتند می‌کنـد؛ امنیتی که دیگر از منافقین و کیـد آنان، و از کفار و جلوگیری‌هایشان بیمی نداشـته باشـند، خدای را آزادانه عبادت کنند و چیزی را شریک او قرار ندهنـد. [۲۴] .بـدین ترتیب، قرآن به گروهی از مسـلمانان که دارای دو صـفت ایمان و عمل صالح هسـتند و به یاری خداوند، حکومت جهانی مستضعفان را تشکیل خواهند داد، نوید امنیت و از میان رفتن همه اسباب ترس و وحشت را داده است.ب) بنا به آیه (و اذ قال ابراهیم رب اجعل هذا البلد آمنا ((ابراهیم: ۳۵) حضرت ابراهیم هنگام بنا نهادن کعبه، به این نیاز فطری توجه کرد

و از خداوند خواست آن سرزمین را از نعمت «امنیت» برخوردار سازد. خداوند نیز، بنا به آیه؟ و اذ جعلنا البیت مثابه للناس و امناً؟ (بقره: ۱۲۵)، آن‌جا را خانه امنی برای مردم قرار داد.این ویژگی چنان عزیز است که موجب منّت پروردگار بر آدمیان بوده و او را شایسته سپاس بندگی می‌کند. [۲۵] پروردگار جهان به همین سرزمین اَمن، برای بیان کیفیت آفرینش انسان سوگند یاد می‌کند. [۲۶] با اجابت دعای حضرت ابراهیم، خداوند هم امنیت تکوینی به مکه داد؛ زیرا شهری شد که در طول تاریخ حوادث ناامن کننده کم‌تری به خود دید و هم امنیت تشریعی عطا کرد؛ زیرا به فرمان الهی همه انسان‌ها و حتی جانوران در این سرزمین در امن و امان هستند. شکار حیوانات آن ممنوع است و حتی تعقیب مجرمانی که به این حرم و خانه کعبه پناه برند نیز جایز نیست. تنها می‌توان برای اجرای عدالت در حق چنین مجرمانی آذوقه را بر آن‌ها بست تا بیرون آیند و تسلیم شوند.امن دانستن خانه کعبه توسط خدای متعال در حقیقت بیانگر اهمیت امنیت است که این بنای بسیار مقدس با آن توصیف شده است. این صفت کعبه در آیات بسیاری تکرار شده است. هم‌چنان‌که در سوره تین مکه مکرمه و شهر کعبه به «بلد امین» تشبیه شده است. علامه طباطبایی در این باره آورده است:مراد از هذاالبلدالامین مکه مشرفه است، و بلد امینش خواند، چون امنیت یکی از خواصی است که برای حرم تشریع شده و هیچ جای دیگر دنیا چنین حکمی برایش تشریع نشده، و این حرم سرزمینی است که خانه کعبه در آن واقع است و خدای تعالی درباره آن فرموده: اولم یروا انا جعلنا حرما امنا [۲۷] (عنکبوت/ ۶۷).ج) در قرآن، شهری که برخوردار از نعمت باشد، به عنوان سرزمین آرمانی و مثالی معرفی شده است و بنا به آیه؟ و ضرب الله مثلاً قریه کانت آمنهً مطمئنه یأتیها رزقها رغدا من کل مکان؟ (نحل/ ۱۱۲)، خداوند به عنوان الگو و نمونه، قریه و شهری را مثال می‌زند که امن، آرام و مطمئن بوده و همواره روزی اش به فراوانی از هر مکانی فرا رسیده است. بدیهی است، تحقق نهایی چنین شهری در جایی به‌جز عصر و حکومت امام مهدی، محقق نخواهد شد.د) یکی از مصداق‌های مهم واژه‌هایی مانند «نعمت»، «نعیم» و «برکات» در قرآن، امنیت دانسته شده است به عنوان نمونه، علامه طباطبایی در بحث از آیه:ولو ان اهل القری آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات [۲۸] (اعراف/ ۹۶) به این معنا اشاره کرده و می‌نویسد:برکات به معنای هر چیز کثیری از قبیل امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد است که غالباً انسان به فقد آن‌ها مورد آزمایش قرار می‌گیرد. [۲۹] .هم‌چنین این مفسّر در تفسیر آیه؟ واذکروا نعمه الله علیکم اذ کنتم اعداءً فالّف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا و کنتم علی شفا حفره من النار فانقذکم منها [؟۳۰] (آل عمران/ ۱۰۳) با بیان وضع ناامنی حاکم بر جامعه جاهلی پیش از اسلام، منظور از نعمت در آیه چنین بر شمارد:منظور از نعمت، مواهب جمیلی است که خدای تعالی در سایه اسلام به آنان داده و حال و روز بعد از اسلام آن‌ها را نسبت به پیش از اسلام بهبود بخشید، در دوران جاهلیت امنیت و سلامتی و ثروت و صفای دل نسبت به یکدیگر و پاکی اعمال نداشتند و در سایه اسلام صاحب همه این‌ها شدند. [۳۱] .علامه در تفسیر کلمه «نعیم» در آیه هشتم سوره تکاثر؟؛ ثم لتسئلن عن النعیم ؟آورده است:و نیز در مجمع‌البیان است که بعضی گفته‌اند: نعیم عبارت است از امنیت و صحت (منقول از مجاهد و عبدالله بن مسعود) و این معنا از امام ابوجعفر و ابی‌عبدالله (علیهماالسلام) نیز روایت شده است. [۳۲] .هم چنین‌این مفسر کبیر در تفسیر خویش، در تبیین واژه‌های «حیات حسنه» [۳۳] و «حیات طیبه» [۳۴] ، یکی از ویژگی‌های اصلی این نوع زندگی را بهره‌مندی از نعمت امنیت ذکر می‌نماید. هم‌چنان‌که یکی از ویژگی‌های «حیات سیئه» را زندگی در ناامنی می‌داند. [۳۵] .هـ) در قرآن، اولوالالباب به امنیت و سلامتی جاودانی بشارت داده شده‌اند. به تعبیر علامه:جمله «سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار»، حکایت کلام ملائکه است که اولوالالباب را به امنیت و سلامتی جاودانی و سرانجام نیک نوید می‌دهند؛ سرانجامی که هرگز دستخوش زشتی و مذمت نگردد. [۳۶] .از سوی دیگر بنا به آیه؟ ادخلوها بسلام آمنین (؟حجر: ۴۵)، در روز سرنوشت، وقتی انسان‌های صالح در جنت گام می‌نهند، به آن‌ها نوید امنیت و سلامت داده می‌شود و به آن‌ها گفته می‌شود که به این باغ‌ها با سلامت و امنیت وارد شوید.و) هنگامی‌که خانواده حضرت یوسف وارد مصر شوند، وی از میان تمامی مواهب و نعمت‌های مصر، انگشت روی مسئله امنیت می‌گذارد و به پدر و مادر و برادران خودش می‌گوید؟: ادخلوها مصراً ان شاءالله آمنین؛ ؟یعنی داخل

مصـر شویـد که انشاءالله در امنیت خواهیـد بود. این نشان می‌دهـد، نعمت امنیت ریشه همه نعمت‌ها است؛ زیرا هر گاه امنیت از میان برود، دیگر مسائل دفاعی و مواهب مادی و معنوی نیز به خطر خواهـد افتاد. در یک محیط ناامن، نه اطاعت خداوند مقدور است، نه زنـدگی همراه بـا سـربلندی و آسودگی فکر و نـه تلاش و کوشـش و جهـاد برای پیشبرد هـدف‌های اجتمـاعی. [۳۷] .(ز) امنیت بزرگ‌ترین پاداشی است که در تمیز اهل حق از باطل، به اهل حق اعطا می‌شود؛ همان‌گونه که قرآن می‌فرماید?: فأی الفریقین احق بالامن (?انعام: ۸۱)؛ یعنی کدام یک از دو دسته شایسته امنیت هستند؟در سخنان و روایات معصومان (ع) نیز مطالب فراوانی درباره اهمیت و ضـرورت امنیت وارد شـده است که برای نمونه، تنها مواردی از آن‌ها ذکر می‌شود.پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایـد:مَن اَصبَحَ مُعافی فی بـدنه آمِناً فی سِرِبِه عنـدَهُ قُوتُ یَومِهُ فکانَّما خُیِّرَتْ لَهُ الدنیا بحذافیرها. [۳۸] .هر که تنش سـالم است و در جـامعه خویش ایمن است و قوت روز خویش دارد، جهـان سراسـر مال اوست.ایشان هم‌چنین فرموده است:اَلامنُ والعافیه نعمتان مغبون فیها کثیرٌ من الناس. [۳۹] .امنیت و سـلامت دو نعمت است که بسـیاری از مردم در آن مغبوننـد.امـام صادق (ع) زنـدگی بـدون امنیت را ناقص و نـاگوار شـمرده و در این راسـتا فرموده است:خمس خصـال من فقـد منهن واحـده لم یزل ناقص العیش، زایل العقل، مشغول القلب: فالاولاها صـحه البدن والثانیه الامن و.... [۴۰] .پنـج چیز است که حتی اگر یکی از آن‌ها برقرار نباشـد، زنـدگی ناقص و ناگوارست، عقـل نـابود می‌شـود و مـایه دل مشـغولی می‌گردد؛ نخسـتین ایـن پنـج چیز، سـلامتی و دومیـن آن امنیـت اسـت....در روایتـی در تحف‌العقول، از امنیت در کنـار عـدالت و فراوانی، به عنوان سه نیـاز اساسـی مردم یاد شـده است:ثلاثه اشـیاء یحتاج الناس طرّاً الیها: الامن، والعـدل والخصب. [۴۱] .سـه چیز اسـت کـه همه مردم به آن نیـاز دارنـد: امنیت، عـدالت و فراوانی.امـام علی (ع) در بحث از اهـداف عالی حکومت، یکی از دلایل پذیرش حکومت را تأمین امنیت برای بندگان مظلوم و محروم و پشتیبانی از آن‌ها می‌شـمارد. باز آن حضـرت در بیان نقش و اهمیت امنیت می‌فرماید: «رفاهیه العیش فی الامن؛ [۴۲] رفاه زندگانی در امنیت است» و «لانعمه أهنا من الامن؛ [۴۳] هیچ نعمتی گواراتر از امنیت وجود ندارد».

عدالت، خاستگاه و بستر امنیت

اصولاً در چگونگی فهم وضـعیت و نوع حکومت مهـدوی، در عصـر ظهور و شاخصه‌های آن ماننـد عدالت و امنیت، دو راه می‌توان در پیش گرفت: راه نخست، تفحص در روایات درباره عصـر ظهور حضـرت مهـدی (عـج) است و راه دوم مراجعه به سیره نظری و عملی پیـامبر (ص) و دیگر معصـومین (ع) بـه‌ویژه امـام علی (ع) روشـن اسـت که معصومـان (ع)، همه در سیره و سـنت دارای یک شیوه‌انـد؛ زیرا همه از نوری یکتا آفریـده شده و ترجمان وحی می‌باشـند. از سویی، حکومت آرمانی امام عصـر (عج) در واقع، ادامه تلاش‌هـای اصـلاح‌طلبانه امامـان معصـوم (ع) بـه‌ویژه برای بـه ثمر نشانـدن حکـومت نافرجـام امـام علی (ع) است که به دلیـل فشـار خودکامگـان مسـلّط و هواپرستی و گمراهی مردم ادامـه نیـافت. از سـوی دیگر، مراجعـه بـه سیره و سـنت سیاسـی اجتمـاعی دیگر معصومـان (ع) به‌ویژه سیره علوی، رافع پـاره‌ای از ابهام‌ها و کمبودهایی است که امروزه در فهم دقیق وضـعیت عصـر ظهور با آن‌ها مـواجه هسـتیم. به همین دلیـل، در این گفتـار ابتـدا برای فهم ارتبـاط عـدالت مهـدوی و امنیت به سیره دیگر معصومـان (ع) رجـوع می‌نماییم.در حوزه سـیاست و مباحث مرتبط با امنیت نمی‌توان از تعامل موضوع عدالت با امنیت غافل شد. این نکته در بیان بسـیاری از معصومـان (ع) آمـده است. علی (ع)، عـدالت را رمز بقـا، اسـتحکام و ترقی نظـام سیاسـی و ضـامن ثبـات و امنیت واقعی و منـافی خشونت به‌شـمار می‌آورد. امام (ع)، عدل را «رستگاری و کرامت»، «برترین فضایل»، «بهترین خصلت»، «بالاترین موهبت الهی» [۴۴] ، «فضیلت سـلطان»، «سپر و نگهدارنده دولت‌ها»، «مایه اصلاح رعیت»، «باعث افزایش برکات»، «مایه حیات آدمی و حیات احکام» و «مأنوس خلایق» ذکر می‌نمایند. او حکومت را مشـروط به «عدالت گستری» دانسته و نظام آمریت را مبتنی بر «عدل» می‌داند. از این دیـدگاه «ملاک حکمرانی و قویترین بنیان، عـدل است»؛ بنیانی که «قوام عالم به آن مبتنی است». [۴۵] .مسئله مهم در سیره علی (ع)

این است که ایشان هیچ وقت برای حفظ امنیت و نظام سیاسی، از عدالت به نفع امنیت عقب ننشسته‌اند، بلکه بر عکس، رعایت عدالت را ضامن امنیت، حفظ نظام، مایه روشنی چشم زمامداران و رسوخ محبت آنان در دل مردم می‌دانند. امام (ع) در نامه به مالک اشتر می‌فرماید:تحقیقاً بهترین چیز (نور چشم) برای حاکمان، اقامه عدالت و استقرار عدالت در سطح کشور و جذب قلوب ملت است و این حاصل نشود مگر به سلامت سینه‌هایشان [خالی بودن از کینه و بغض حاکمان]. [۴۶] .پس اگر زمامداران عادلپیشه باشند، قلب‌ها به سوی آنان جذب و عقده‌ها از دل‌ها بیرون می‌رود. این خود تضمینکننده استحکام ارکان دولت و پیوند محکم آن با ملت است. عدلمحوری نظام سیاسی باعث می‌شود مردم برای رسیدن به آرمان‌ها و خواسته‌های خود راه‌های منطقی را برگزینند. در غیر این صورت، نومیدی از عدالت، انسان‌ها را به نیرنگ، سوء استفاده، خلافکاری، تضعیف اخلاق عمومی و از هم پاشیدگی اجتماعی خواهد کشانید که خواه ناخواه، نتیجه آن ناپایداری امنیت و ثبات سیاسی نظام حاکمه و دولت است.از دید امام (ع) رعایت عدالت از سوی رهبران و کارگزاران نظام اسلامی در سطوح مختلف سامانه سیاسی، نتایج مثبت فراوانی را دارد. این آثار برای شخص رهبران عبارت است: [۴۷] .استقلال و توان، نافذ شدن حکم، ارزشمندی و بزرگ مقداری، بی‌نیازی از یاران و اطرافیان، مورد ستایش قرار گرفتن زمان حکمرانی آن‌ها و بالارفتن شأن، عظمت و عزت ایشان.امام علی (ع) معتقد است، «هیچ چیزی مانند عدالت، دولت‌ها را محافظت نمی‌کند» و عدل چنان سپر محکمی است که رعایت آن موجب تداوم قدرت و اقتدار نظام سیاسی می‌گردد. [۴۸] .مهمترین و فراگیرترین اثر عدالت در سازندگی و اصلاح جامعه است؛ چرا که «عدل سبب انتظام امور مردم و جامعه می‌باشد» و «هیچ چیز به اندازه عدالت نمی‌تواند مردم را اصلاح نماید»، اجرای عدالت «مخالفت‌ها را از بین می‌برد و دوستی و محبت ایجاد می‌کند» [۴۹] و در عمران و آبادانی کشور (توسعه اقتصادی، صنعتی) تأثیر بسزایی دارد. [۵۰] اگر عدالت در جامعه اجرا نشود، ظلم و ستم جای آن را خواهد گرفت و ظلم جز آوارگی و بدبختی و در نهایت، خشونت اثری نخواهد داشت. حضرت خطاب به یکی از والیان خود می‌فرماید:استعمل العدل، و احذر العسف والحیف، فان العسف یعود بالجلاء، الحیف یدعو الی السیف. [۵۱] .کار را به عدالت کن و از ستم و بیداد بپرهیز که ستم رعیت را به آوارگی وا می‌دارد و بیدادگری شمشیر در میان آورد.از این سخنان نتیجه گرفته می‌شود که از دیدگاه امام علی (ع)، عدالتورزی زمامداران باعث برچیده شدن خشونتگرایی و شورش مردم علیه حکومت می‌گردد و به جای احساس نومیدی و سرخوردگی و تنفّر از حکومت، اطمینان، آرامش و محبّت به نظام سیاسی در دل ایشان جای می‌گیرد. با افزایش محبت و وفاداری مردم به نظام، تشتت، تفرقه، ناامنی و ناپایداری، به سوی وحدت عمومی، امنیت و ثبات واقعی تغییر جهت خواهد داد. همین معانی در سخنان دیگر معصومان (ع) نیز آمده است. حضرت فاطمه (س) در خطبه فدک می‌فرماید:خدای سبحان، ایمان و اعتقاد به توحید را برای پاکیزه نگه‌داشتن از آلودگی و شرک واجب کرد و عدالت را برای تأمین اطمینان و آرامش دل‌ها لازم نمود، اطاعت مردم از حکومت را مایه انتظام ملت قرار داد، و با امامت و رهبری، تفرقه آن‌ها را رفع کرد، و نیز عدالت در احکام را برای تأمین اُنس و همبستگی و پرهیز از اختلاف و تفرقه قرار داد. [۵۲] .هم‌چنان‌که امام سجاد به والی و سلطان می‌فرماید:حق مردم بر تو آن است که بدانی ایشان به دلیل ضعف خود و قوّت تو زیر فرمان روایی و رهبری تو قرار گرفته‌اند. پس واجب است که با آن‌ها عدالت پیشه کنی و برایشان همانند پدری مهربان باشی و از نادانی‌هایشان گذشت نمایی و در عقوبت و مجازاتشان عجله نکنی و ضروری است درباره نیروی فرادستی خود نسبت به آنان، که عطیّه الهی است، شکر خدا را به جای آوری. [۵۳] .از سوی دیگر، استبداد، سرکوبگری و خودکامگی، در روایات منشأ ناامنی و بروز شورش و بی‌ثباتی سیاسی، اجتماعی و از میان رفتن حکومت به شمار آمده است. از این رو، برای اعمال بهینه قدرت سیاسی و دستیابی به آرمان‌های والای حکومت ـ مانند امنیت ـ برخورد دوستانه و مودتآمیز، بدون کاربرد خشونت و سرکوبگری مردم توصیه شده است. لذا با نهی شدید استبداد ورزی، بر رعایت عدالت در حقوق متقابل مردم و حکومت پافشاری گردیده است. اگر عدالت متعامل با امنیت است، بدیهی است ظلم نیز مقارن با ناامنی و بی‌ثباتی است. امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، یکی از نشانه‌های

ظلم را سرکوب کردن (تغلب) زیردست می‌داند و چیرگی فرد نسبت به فرودستان را از نشانه‌های ستمگری می‌داند. [۵۴] .امام (ع) در بسیاری از سخنانش، استبداد، خودکامگی و خشونت کارگزاران نظام سیاسی را با مردم به شدت نهی کرده و برخورد ملاطفت‌آمیز و عادلانه با آن‌ها را سفارش اکید فرموده است. وی از این مشی به عنوان عامل بقا و ماندگاری حکومت و نومیدی دشمنان یاد می‌کند و در همین راستا در خطبه ۲۰۷، حقوق میان حکومت و مردم را دوسویه دانسته و این حقوق و رعایت آن را مایه انتظام در روابط مردم و عزت دین آنان به شمار آورده است. آن حضرت صلاح مردم را در صلاحیت حکومت‌ها و صلاح حکومت‌ها را در استواری و استقامت مردم می‌داند. [۵۵] .روشن است که چنین امامت و حکومتی چه در عصر علوی و چه در عصر مهدوی، دستاورد آن عدالت و امنیت و حیات طیبه و کامل است و با ظلم، تغلب (چیرگی و سرکوب) و هم‌چنین اعمال خشونت منافات داشته و حکومت به حق و عدل، و با رویه ملایمت و ملاطفتجویانه را توصیه می‌کند.

عدالت و امنیت، دستاورد فراگیر حکومت مهدوی

بنابر روایات، بشر در دوران حیات زمینی خود، تا قیام قائم آل محمد (عج)، اسیر پراکندگی، دشمنی و جنگ خواهد بود. این دوران که می‌توان آن را دوران پراکندگی، نابرابری و ناامنی نامید، با ختم شدن به ظهور مهدی موعود و طلوع خورشید عدالت و امنیت، فرجامی خوش خواهد یافت. بنا به آیه ۵۵ سوره نور، پارسایان، به رهبری امام عصر (عج) خلیفه خدا شوند و دین حاکم گردد. در این صورت، بنا به وعده الهی، امنیت جای ترس را می‌گیرد و بندگان خدا به خشنودی و خوشبختی حقیقی دست خواهند یافت. اثر این عدالت و امنیت فراگیر، چنان است که طبیعت نیز بر سر مهر خواهد آمد و با پیشه کردن عدالت، همه گنج‌های خود را برای انسان رو خواهد کرد.نکته قابل تأمل آن است؛ با این که اخبار و روایات بیانگر هرج و مرج و چیرگی بی‌عدالتی و ناامنی در عصر پیش از ظهور است، ولی به نظر می‌رسد این شرایط به‌صورت مطلق در همه جهان حاکم نباشد. لذا این باور انحرافی که می‌بایستی برای شتاب بخشیدن به ظهور حضرت، به افزایش فساد و ناامنی کمک کرد، کاملاً مردود و مخالف اسلام است. مگر نه این‌که خود امام عصر (عج)، حضور خود را در عصر غیبت به خورشید پشت ابر تشبیه می‌نماید، [۵۶] یا در روایتی دیگر می‌فرماید:«به‌درستی‌که من مایه امان اهل زمین هستم؛ هم‌چنان‌که ستارگان مایه امنیت اهل آسمان‌ها هستند». [۵۷] .ده‌ها روایت از پیامبر و امامان وارد شده که خود و اهل بیت را مایه امان ساکنان زمین به شمار آورده‌اند. [۵۸] بدین ترتیب، حضور امام عصر (عج)، چه به‌صورت غایب و چه به‌صورت ظاهر و در زمان قیام، مایه بارش فیض و نعمات الهی به سوی مردم است. طبیعی است که در دوره حکومت مهدوی این جریان به کمال خود خواهد رسید و همه موانع موجود بر سر اتصال فیض میان خداوند و مردم ـ از طریق امام برطرف خواهد شد. البته آن هنگام، مردم این واسطه خیر و نعمت نامرئی را به صورت مرئی و آشکارا دیده و لمس خواهند کرد.همه امامان شیعه در زمان خود چنین واسطه فیضی بوده‌اند، اما متأسفانه به‌دلیل اختناق زمانه و سرکوب خودکامگان چیره از یک سو و هواپرستی و گمراهی مردم از سوی دیگر، نتوانستند بشریت را به کمال و غایت تکامل الهی و انسانی خویش رهنمون سازند. بنابراین می‌توان گفت، میان امام عصر (عج) و دیگر امامان معصوم (ع) در این زمینه تفاوتی نیست، ولی به خواست خداوند، امام موعود کسی است که رسالت پیامبر (ص) و طرح اصلاحی دیگر معصومان در اکمال دین و دستیابی به عدالت و امنیت و دیگر فضایل را به نتیجه نهایی می‌رساند. روایاتی که اثباتگر این مدعا است بسیار فراوانند. مثلاًـ امام زین‌العابدین (ع) می‌فرماید:ما امام مسلمانان و براهین الهی بر جهانیان و سرور مؤمنانیم. ما رهبر شریف‌ترین مسلمانان و... مایه اَمان ساکنان زمین هستیم؛ همان‌گونه که ستارگان مایه امان و حفظ آسمان‌ها هستند. ما کسانی هستیم که خداوند به‌واسطه ما آسمان را از سقوط به روی زمین نگه داشته است و این به اجازه خداوند بستگی دارد. خداوند توسط ما زمین را از این‌که اهلش را نابود کند، نگه داشته است و به‌واسطه ما باران می‌فرستد و رحمت خویش را بر مردم می‌گستراند و به‌واسطه ما برکات زمین خارج و ظاهر می‌شود و اگر

ما بر روی کره خاکی نبودیم، زمین اهل خود را فرو می‌برد. [۵۹] .امامان پاك ما به دلیل جو اختناق حاکم بر زمان خویش، آرمان‌های خود را در دوره قیام قائم (ع) جست‌وجو می کردند؛ همچنان‌که امام علی (ع) درباره عدالت‌گستری و ایمنی عصر ظهور و سرشاری آن دوره از عدالت و امنیت دیگر برکت‌ها می‌فرمایند:ولو قام قائمنا لانزلت السماء قطرها و لاخرجت الارض نباتها و ذهبت من قلوب العباد و اصطلحت السبع والبهائم حتی تمشی المرأه بین العراق الی الشام لاتضع قدمیها الا علی النبات و علی رأسها زینتها، ولایهیجها سبع و لاتخافه. [۶۰] .اگر به تحقیق، قائم ما قیام کند، به واسطه ولایت و عدالت او، آسمان آن‌چنان که باید ببارد می‌بارد و زمین نیز رستنی‌هایش را بیرون می‌دهد و کینه از دل‌های بندگان زدوده می‌شود و میان دد و دام آشتی برقرار می‌شود؛ به گونه‌ای که یك زن میان عراق و شام پیاده خواهد رفت و آسیبی نخواهد دید و هر جا قدم می گذارد، همه سبزه و رستنی است و بر روی سرش زینت‌هایش را گذارده و نه ددی او را آزار دهد و نه بترساند.روایاتی از این دست بسیار فراوانند که در زیر به چند نمونه از آن‌ها که از پیامبر (ص) نقل شده اشاره می کنیم:مردی از اهل‌بیت من خروج خواهد نمود و به سنت من عمل می کند و خداوند برای او از آسمان برکاتش را فرو می‌فرستد و زمین برکت‌هایش را خارج می‌سازد. به‌واسطه وی، زمین همان‌گونه که از ستم و جفاکاری پر شده، از برابری و داد سرشار می‌شود... [۶۱] .اگر از عمر دنیا تنها یك شب باقی مانده باشد، خداوند آن شب را به اندازه‌ای طول خواهد داد، تا مردی از اهل‌بیت من به حکومت برسد... او زمین را از قسط و عدل پر می کند همان‌گونه که پیش از آن از ستم و جفاکاری پر شده بود. وی خواسته و مال را برابر پخش می کند و خداوند در آن هنگام بی‌نیازی را در دل‌های این امت قرار می‌دهد.... [۶۲] .از این دسته روایت‌ها به‌خوبی فهمیده می‌شود که در حکومت جهانشمول حضرت مهدی، عدالت و امنیتی فراگیر در همهجای دنیا برقرار می‌شود و تنها مسلمانان از این فیض و رحمت خداوندی بهره‌مند نمی‌شوند، بلکه این بهره‌مندی به همه ساکنان زمین می‌رسد؛ زیرا در سراسر گیتی، «گنج‌ها بیرون آورده خواهد شد و شهرها و روستاهای شرك فتح می‌شود.» [۶۳] در چنین حکومتی، عدالت و امنیت و همه بهره‌های آسمان و زمین، بی‌تبعیض، نصیب همگان خواهد گردید. همچنان‌که امام حسین (ع) در فراز مهمی می‌فرماید:... اذا قام قائم، العدل وسع وسعه عدل البر و الفاجر.هنگامی که قائم قیام می کند، عدل گسترده می‌شود و این گستردگی عدالت، نیکوکار و فاجر را در بر می گیرد. [۶۴] .بدین ترتیب بهره حکومت جهانشمول و عدالت‌گستر و امنیتمحور حضرت مهدی، نه تنها شامل مسلمانان و غیرمسلمانان و اقلیت‌های گوناگون می‌شود، بلکه حتی بدکاران آنها را هم در بر می گیرد. البته از روایات چنین بر می‌آید که حسنات و جاذبه حضرت مهدی و نهضت عدالت‌گستر او باعث جهانشمولی دیانت اسلام و اصلاح بدکاران و روی‌آوری تمام مردم جهان به اسلام خواهد شد. یکی از شواهد اثبات این مدعا روایاتی است از امام صادق (ع). از ایشان درباره تفسیر آیه هشتاد و سوم سوره آل عمران که می‌فرماید: «با آن‌که هر که در آسمان‌ها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است» [۶۵] پرسش شده است. امام (ع) در پاسخ اظهار می‌دارند که این آیه درباره زمان قیام قائم (ع) است که در آن هنگام در کره خاکی، جایی باقی نمی‌ماند مگر آن‌که در آن ندای شهادتین (لااله‌الاالله و محمد رسول‌الله) شنیده شود. [۶۶] .از سویی, با توجه به این‌که در طول تاریخ، بسیاری از بی عدالتی‌ها و خونریزی‌ها و ناامنی‌ها متوجه شیعیان بوده است، دوران امام قائم (ع)، عصر قدرت و ایمنی و رفع بلا و مصایب از شیعیان است. توان دفاعی آنها بسیار بالا می‌رود و حکومت زمین و سروری آن به ایشان خواهد رسید. امام زین‌العابدین (ع) در این باره فرموده است:اذا قام قائمنا اذهب الله عن شیعتنا العاهه، و جعل قلوبهم کزبر الحدید و جعل قوّه الرّجل منهم قوّه اربعین رجلاً ـ و یکونون حکام الارض و سنامها.هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند آفات و بیماری و بلایا را از شیعیان ما دور می‌سازد و قلب‌های آنان را به مانند پاره‌های آهن می گرداند و قوت و توان مردان ایشان را به اندازه چهل مرد افزون می کند. در آن هنگام شیعیان حاکمان زمین و سروران آن خواهند گشت. [۶۷] .با وجود این، در عصر حکومت مهدی، همه مردم از امنیت و عدالت فراگیری برخوردار خواهند بود و عدالت در بیش‌ترین حد و به صورت کامل و تمام اجرا می‌شود. در آن هنگام استیفای حقوق به صورت قطعی صورت خواهد گرفت و در

قضاوت‌ها و محاکم، دیگر امکان هیچ خطا و اشتباهی پیش نخواهد آمد. زیرا امام (ع) خود میان مردم زندگی می کند و بر آن‌ها حکومت و قضاوت خواهد کرد. قضاوتی که بدون نیاز به بیّنه و اِماره صورت می گیرد و این حکومت و قضاوت متکی به الهام الهی و بر همین مبنا متکی بر علم امام است. بدین ترتیب امام (ع) از مردم درخواست بینه و شاهد نمی کند و به مانند داوود و سلیمان حکم واحدی می‌نماید. [۶۸] بر همین مبنا، عدالت و ادای حقوق به صاحبان آن به شکل قطعی صورت پذیرفته و کاملاً و بدون هیچ شبه و خطایی انجام می گردد.از دیگر نشانه‌ها و شاخصه‌های مهدوی که موجب پدید آمدن امنیت، آرامش و ثبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می گردد، تقسیم درست و برابر و مبتنی بر استحقاقِ بیت‌المال و اموال مشترک عمومی است. هم‌چنان‌که امام باقر (ع) می‌فرماید:وقتی قائم اهل بیت قیام کند، [بیت‌المال] را با مساوات تقسیم می کند و نسبت به شهروندان عدل می‌ورزد. پس هر کس او را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است و سرکشی نسبت به او همانند سرکشی و گناه نسبت به خدا است. [۶۹] .نکته بسیار مهم در مبحث حکومت عدالتمحور و امنیت‌گستر مهدوی این است: اگرچه حضرت ولی‌عصر (ع) فاتح شهرهای شرک هستند و حتی چهره ترسیمی ایشان در روایات و هنگام قیام به گونه‌ای است که همواره شمشیر بر دوش دارند، واقعیت این است که قیام امام (ع) قیامی نظامی و میلیتاریستی و متکی بر اجبار و سرکوب نیست. بنابراین، نباید امنیت و عدالتی کاذب و در سایه شمشیر برقرار شود. قیامِ مصلحانه یاد شده، نهضتی ایمانی، اسلامی و انسانی برای رهانیدن همه بشر از زنجیرهای نفسانی و موانع و بندهای بی‌شماری است که بر دست و پای انسان فعلی از سوی طاغوت‌ها زده شده و تکامل و کمال بشری را راکد کرده یا به پسرفت و قهقرا کشانده است. حرکت امیدبخش و زندهکننده حضرت، که با پرچم ایمان و عدالت صورت می‌پذیرد، در نهایت مشروعیت و رضایت عمومی صورت می گیرد و با پذیرش همگانی همه ساکنان زمین و آسمان و حتی حیوانات و جنبندگان عالم هستی تحقق می‌یابد و همه با مباهات و خشنودی به آن تن می‌دهند. در این میان، فرقی میان دیانت‌ها، نژادها، قومیت‌ها و هویت‌های گوناگون مردم گیتی نیست؛ چرا که نهضت مهدوی، حرکتی جهان‌گستر و عالمشمول برای نجات و رستگاری همه بشریت است. بدیهی است عدالت گستری حضرت مهدی (ع)، خود زمینه‌های تقویت و پایندگی مشروعیت حکومت ایشان و جذب دل‌های بیش‌تر مردم را به دنبال خواهد داشت. پیامبر اکرم (ص) درباره اجماعی بودن پذیرش حکومت حضرت مهدی (ع) می‌فرماید:... فیملأ الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت ظلماً و جوراً یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الارض... [۷۰] .... یملا الارض عدلاً کما ملئت جوراً یرضی بخلافته اهل السموات و اهل الارض والطیر فی الجو... [۷۱] .... پس زمین را از عدل و قسط پر می کند؛ همان‌گونه که از ستم و جفاکاری پر شده بود. هم ساکنان آسمان و هم ساکنان زمین از او خشنود هستند....زمین را همان‌گونه که از ستم پر شده بود، از عدل سرشار می کند. اهل آسمان‌ها و اهل زمین و پرندگان آسمان به خلافت او رضایت می‌دهند.از دیگر ویژگی‌های عدالت مهدوی و جهانشمولی بدون تبعیض حرکت مصلحانه امام مهدی (ع) این است که ایشان اصحاب خود را با هدایت الهی و بر اساس لیاقت و شایستگی، نه از یک نقطه خاص که از کشورها و شهرهای گوناگون بر می گزینند. این امر نشانگر آن است که حرکت امام (ع) مختص ناحیه یا کشور خاصی نیست، بلکه متعلق به همه جهانیان است تا آنان با آغوش باز و خشنودی اسلام را پذیرا باشند و دستورهای آن را سرمشق زندگی رستگارانه خود قرار دهند.پیامبر گرامی اسلام درباره عدالتگستری و هم‌چنین اصحاب حضرت مهدی (ع) فرموده است:مهدی یحکم بالعدل و یامر به یصدق الله عزوجل و یصدق الله فی قوله یخرج من تهامه حین تظهر الدلائل والعلامات و له کنوز لاذهب و لافضه الا خیول مطهمه و رجال مسوّمه یجمع الله له من اقاصی البلاد علی عده اهل بدر ثلاثمائه و ثلاثه عشر رجلاً معه صحیفه مختومه فیها عدد اصحابه باسمائهم و بلدانهم و طبایعهم و حلاهم و کناهم کدادون مجدون فی طاعته. [۷۲] .مهدی به عدالت حکم نموده و به آن امر می کند. خداوند عزوجل او را و کلامش را تصدیق می‌نماید و هنگامی که نشانه و علامت‌ها آشکار می‌شوند، از مکه خروج می‌نماید. وی دارای گنج‌هایی از طلا و نقره نیست، بلکه گنج‌های او اسب‌های خوش اندم و نیکومنظر و مردان مشخص شده‌ای هستند که خداوند آن‌ها را برای وی از دورترین بلادها جمع‌آوری کرده است که

تعدادشان به عدد اهل جنگ بدر، سیصدوسیزده نفر مرد است؛ و صحیفه‌ای همراه مهدی است که در آن اصحاب وی با ذکر اسامی، کنیه‌ها، کشورها، محل سکونت و حتی نوع طبایعشان آمده است، اینان در راه اطاعت او کوشا بوده و رنج و سختی می‌کشند.بدین ترتیب می‌توان استنباط کرد که در حکومت جهانی مهدوی، حقی از کشورها یا به عبارتی بهتر، ایالت‌های این حکومت در هر کجای گیتی ضایع نمی‌شود. عدالت مهدوی و اسلامی ایجاب می‌نماید که در محیطی با ثبات و سرشار از آرامش و فارغ از هر گونه نزاع، اقوام، کشورها و ملیت‌ها، شایستگان و نخبگان متصف به صفات لازمه اسلامی را به کارگزاری و مدیریت ایالات خویش، در چارچوب حکومت جهانی حضرت مهدی بگمارند.از مواهب گوناگون این حکومت، هم‌چون امنیت به گونه‌ای مساوی با دیگران بهره‌مند شوند.

نتیجه گیری درباره عدالت و امنیت

همان‌گونه که گفته شد، عدالت و امنیت از برترین و مقدم‌ترین نعمت‌ها و دستاوردهایی است که توسط امام موعود به بشریت، آن‌هم در فراخنای گیتی هدیه خواهد شد. انقلاب مصلحانه حضرت برای تکمیل دیانت، رسالت نبوی و امامت اصلاح‌گرایانه امامان معصوم (ع) می‌باشد. امامتی که با خودکامگی و اختناق و سرکوب خودکامگان ستمگر و چیره به فرجام نیکوی خویش نرسید. امام عصر (ع) این نهضت را به پایان خواهند برد و همه اقوام و ملل و فرد فرد انسان‌ها بدون هیچ‌گونه تبعیض و گزینشی طعم شیرین عدالت و امنیت مهدوی را خواهند چشید. اسلام دین فراگیر خواهد شد و در جایگاه عادلانه و بایسته خود خواهد نشست و تشیع و شیعیان از آفات و بلیات و آسیب‌ها محفوظ و در کمال امنیت، توان روزافزون و استقرار و حاکمیت خواهند یافت. بشر و تمام ساکنان و جنبندگان آسمان‌ها و زمین با آغوشی باز و خشنودی بدین حکومت تن خواهند داد. قریه و شهر امن قرآنی و الهی در سایه عدالت گستری حضرت مهدی محقق خواهد گردید و جانشینی زمین به صالحان و پارسایان خواهد رسید و ایمان به عنوان سرچشمه اصلی امنیت، بر قلب‌ها و جان‌ها طمأنینه و آرامش را حکمفرما خواهد ساخت. حیات سیئه بشری، جای خود را به حیات طیبه و حسنه خواهد داد.آسمان‌ها و زمین نیز با پیشه‌کردن عدالت، همه بهره‌ها و نعمت‌های خود را برای استفاده بشر، تقدیم می‌نمایند و ترس و هراس و ناامنی و بی‌عدالتی جای خود را به آرامش و قسط و عدل خواهد داست.امنیت در زمان ظهور حضرت مهدی، امنیتی غالب بر عدالت و در سایه شمشیر، سرکوب و خودکامگی و اجبار نیست، بلکه بر رویکرد و مشی الهی و انسانی استوار است و از مشروعیت، مقبولیت و حقانیتی مبتنی بر رضایت و پذیرش کامل مردم سود می‌برد. همین امر به جذب بیش‌تر قلب‌های مردم به سوی امام عصر و نهضت جهانشمول ایشان خواهد انجامید و حتی بدکاران نیز راه خوبی و رستگاری در پیش خواهند گرفت.عدالت مهدوی حکم می‌کند، ملاک گزینش کارگزاران، قومیّت پرستی و قبیله‌گرایی نباشد. برعکس، در گزینش آن‌ها، اصلح بودن، شایستگی و کاردانی لحاظ شود. هم‌چنان‌که امام (عج) در انتخاب اصحاب سیصدوسیزده‌گانه خود، این ملاحظات را در نظر گرفته و آن‌ها را از کشورها و شهرهای مختلف و با هدایت الهی انتخاب می‌نماید. عدالت و امنیت چه در اندیشه اسلامی و چه در عصر مهدوی در تعامل مستقیمی با یکدیگر قرار داشته و عدالت، خاستگاه و بستر امنیت است. حضرت (ع) با رعایت مساوات و استحقاق‌های افراد بشر، خیرات مشترک را میان مردم توزیع نموده و با حکمیّت و قضاوت بر مبنای الهام و علم الهی خویش، زمینه هرگونه حکومت و داوری ناعادلانه و خطاآمیز را از بین می‌برد. بدین‌وسیله، زمینه‌های نارضایتی و اعتراض‌های مردمی را که بی‌ثباتی و ناامنی را در پی دارد، از میان بر می‌دارد. در آن دوران، در دل مردم به‌جای اشمئزاز از حکومت، مهر و محبت جایگزین می‌شود.با امید به طلوع هرچه زودتر چنین عصر شکوفا و بالنده‌ای، با این دعا، نوشتار حاضر را به پایان می‌بریم: «اللهم انا نرغب الیک فی دوله کریمه، تعزبها الاسلام و اهله و تذل بها النفاق و اهله...».

پاورقی

[۱] هم‌چنانکه درباره سرنوشت این شیعیان در دعای ندبه چنین آمده است: «فقتل من قتل و سُبی من سُبی و اُقصی من اُقصی...».

[۲] نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۸.

[۳] نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه انتشارات حضور، زمستان ۱۳۸۱، خطبه ۱۳۸، ص ۱۹۰.

[۴]، روایت ۱۷۶، باب ۴۱، ص ۳۲۲.

[۵] همان، ج ۵۲، روایت ۱۵۴، باب ۲۵، ص ۲۶۶.

[۶] عن محمدبن مسلم قال، سمعت ابا عبدالله (ع) یقول: «انّ لقیام القائم (ع) علامات تکون من الله عزوجل للمؤمنین قلت: و ما هی جعلنی الله فداك؟ قال، ذلك قوله عزوجل «ولنبلونکم ـ یعنی المؤمنین قبل خروج القائم ـ بشیءٍ من الخوف والجوع و نقص من الاموال والانفس والثمرات و بشر الصابرین»؛ محمدمحمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۱، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۲ ش، صص ۲۹۰–۲۹۱، روایت ۱۲۲۸ (به نقل از تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۱۴).

[۷] see, chaim pereLman, Justice et raison, eed, ۱۹۷۰, edition de universite de Bruxelles, p.۱۲-۱۴.

[۸] این تعریف از عدالت، در کلیه آثار اندیشمندان اسلامی آمده است؛ برای نمونه ر.ك: ابونصر محمد فارابی، اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، شرح و ترجمه سید جعفر سجادی، تهران، طهوری، چ دوم، ۱۳۶۱، ص ۲۵۸.

[۹] ر.ك: خواجه نظام‌الملك طوسی، سیاستنامه، تصحیح عباس اقبال، تهران، اساطیر، ج دوم، ۱۳۶۹، صص ۵۷ و ۹۸.]

[۱۰] ر.ك: همان، ص ۳.

[۱۱] ر.ك: عبدالرحمن ابن خلدون، مقدمه، محمد پروین گنابادی، ج اول، چ پنجم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶، صص ۷۱–۷۲ و ۵۴۳–۵۳۷؛ ج دوم، صص ۷۱۶–۷۱۱.

[۱۲] ر.ك: ابونصر محمدفارابی، فصول المدنی، تحقق: م.دنلوپ، کمبریج، ۱۹۶۱ فصل ۵۸، صص ۱۴۱–۱۴۲. هم‌چنین، ر.ك: خواجه نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینویی و علیرضا حیدری، تهران، خوارزمی، چ پنجم، ۱۳۷۳، صص ۳۰۱–۳۰۸.

[۱۳] ر.ك: طوسی، همان، ص ۱۳۶.

[۱۴] ر.ك: نهج‌البلاغه، ترجمه و شرح سید علینقی فیض الاسلام، تهران، بی‌تا، ۱۳۹۲ هـ‌ق، ۱۳۵۱ هـ‌ش، کلمه ۲۲۳، ص ۱۱۸۸.

[۱۵] ر.ك: ابن سینا، الاشارات والتنبیهات، ج چهارم، تهران، دفتر نشر کتاب، ۱۳۶۲، ص ۶۱. هم‌چنین ر.ك: ابن سینا، الشفاء والالهیات، به کوشش الاب قنواتی و سعید زاید، قاهره، ۱۹۶۴م, ص ۴۴۱.

[۱۶] ر.ك: نهج‌البلاغه، فیض الاسلام، حکمت ۲۳۵، ص ۱۷۱.

[۱۷] ر.ك: یاسین عیسی العاملی، الاصطلاحات الفقهیه فی الرسائل العلمیه، بیروت، دارالبلاغه، ۱۴۱۳ هـ‌ق، ص ۱۳۹.

[۱۸] کلنا الجنتین آتت اُکلها و لم تظلم منه شیئاً (کهف/ آیه ۳۳).

[۱۹] ولقد ارسلنا رسلنا بالبینات وانزلنا معهم الکتاب والمیزان لیقوم الناس بالقسط. (حدید / ۲۵).

[۲۰] ر.ك: سوره‌های: شوری/ ۱۵، مائده/ ۸، نساء/ ۵۸، نحل/ ۹۰.

[۲۱] اصلی‌ترین مترادف‌های قرآنی واژه عدل که در قرآن آمده‌اند و با آن ارتباط معنایی دارند، عبارتند از: قسط، قصد، استقامت، وسط، نصیب، حصّه، میزان و غیره. هم‌چنین جور ـ متضاد کلمه عدل ـ که خود نیز مترادف ظلم است، کم‌تر در قرآن آمده است. البته کلمه ظلم و مشتقات آن به صورتی بسیار گسترده در این کتاب آسمانی ذکر شده است.

[۲۲] ۶۲ مـورد از مشـتقات کلمه «اَمِنَ» در قرآن به شـرح زیر است: آمَن ـ آمِن ـ آمناً ـ آمنّا ـ آمنتْ ـ آمنْتُ ـ آمنه ـ آمنتم ـ آمنکم ـ آمنهم ـآمَنو ـ آمِنو ـ آمنون ـ آمنین ـ اؤتمن ـ الامانـات ـامانـاتکم ـ امانـاتهم ـ الامانه ـ امانته ـأمِن ـ الامن ـ أمناً ـأمنه ـ أمنتکم ـ أمنتم ـ أمِنوُ ـ أمین ـ الایمـان ـایمانـاً ـ ایمـانٍ ـ ایمـانکم ـ ایمـانه ـ ایمانهـا ـ ایمانهم ـ بایمانهنّ ـ تؤمن ـ تأمنّا ـ لتؤمننّ ـ تأمنه ـ تؤمنوا ـ تؤمنون ـ مؤمِن ـ مؤمنـاً ـ مؤمنـات ـ مؤمنه ـ مـأمنهُ ـ مؤمنون ـ مؤمنَین ـ مؤمِنین ـ مـأمون ـ نؤمن ـ لَنؤمننّ ـ یأمن ـ یؤمن ـ یؤمنّ ـ لَیُؤمنَنّ ـ لیُؤمنُنّ ـ یـأمنوا ـ یؤمنوا ـ یأمنوکم ـ یؤمنون؛ هم‌چنین کلمه‌هایی با بار معنایی مشابه امنیت، ماننـد «سـکینه» ۳ بار، «سکینته» ۳ بار و «سلام» ۳۳ بار، و «سلاماً» ۹ بار در قرآن به کار رفته است.

[۲۳] برای اطلاع ر.ک، محمود روحـانی، المعجم الاحصـایی لالفـاظ القرآن الکریم، (فرهنـگ آماری کلمات قرآن کریم)، المجلد الاول، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ ش، صص ۳۷۲ ـ ۳۷۳. شایـان ذکر است که کلمه «الْأمِنُ» در مجموع سه بار که دوبار آن در سوره مکی انعام آیات ۸۱ و ۸۲ و یک‌بار آن در سوره مدنی نساء آیه ۸۳ به کار رفته است. کلمه اَمناً دوبار یکی در سوره مدنی بقره، آیه ۱۲۵ و دیگری در سوره مـدنی نور، آیه ۵۵ اسـتفاده شـده است. هم‌چنین واژه «اَمَنَهً» دوبار در سوره‌های مدنی آل عمران، آیه ۱۵۴ و انفال، آیه ۱۱ کاربرد داشته است.

[۲۴] سـید محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ترجمه سـید محمدباقر همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ پنجم، ۱۳۷۴، ص ۲۰۹.

[۲۵] فلیعبدوا رب هذا البیت الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف (قریش: ۳ و ۴).

[۲۶] .... و هذا البلد الامین لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم (تین: ۳ و ۴).

[۲۷] علامه طباطبایی، ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص ۵۳۹.

[۲۸] اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم.

[۲۹] همان، ج ۸، ص ۲۵۲.

[۳۰] بودیـد. پس میان دل‌های شـما الفت انـداخت، تا به لطف او برادران هم شدیـد و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شـما را از آن رهانید.

[۳۱] همان، ج ۵، ص ۳۷۶.

[۳۲]، حکمت ۸، ص ۱۷۲.

[۳۳] بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۲۱۰.

[۳۴] همان، ج ۷، ص ۴۶۵.

[۳۵] همان.

[۳۶] همان، ج ۱۱، ص ۴۷۵.

[۳۷] ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۸۴.

[۳۸] رسول اکرم (ص)، نهج‌الفصاحه، گردآورنده: مرتضـی فرید تنکابنی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، چ ۴، ۱۳۷۴ش/۱۴۱۶ق، ص ۵۹.

[۳۹] همان.

[۴۰] بحارالانوار، ج ۷۸، حکمت ۱، ص ۱۷۱.

[۴۱] ابومحمدابن شعبه الحرانی، تحف‌العقول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۳ش، ۱۴۰۴ق، ص ۳۳۴.

[۴۲] عبدالواحد تمیمی آمدی، شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۴، تصحیح میرجلال الدین حسینی ارموی، تهران، انتشارات دانشگاه

تهران، ۱۳۶۰ ش، ص ۱۰۰.

[۴۳] همان، ج ۶، ص ۴۳۵.

[۴۴] «العدل فوز و کرامه، الانصاف افضل الفضائل»، عبدالکریم بن محمد قزوینی، بقا و زوال در کلمات سیاسی امیرمؤمنان (ع)، به کوشش رسول جعفریان، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۱، ص ۹۷. «العدل افضل سجیه»، همان، ص ۱۰۰؛ «الانصاف افضل الشیّم»، همان، ص ۹۷؛ «اسنی المواهب العدل». همان، ص ۱۱۲.

[۴۵] «العدل فضیله السلطان»، «العدل جُنّه الدول»، «العدل یصلح الرعیه»، «العدل مألوف»، «اعدل تحکم»، «العدل نظام الامر»، «بالعدل تتضاعف البرکات»، «العدل حیاه»، «العدل حیاه الاحکام»، «ملاک السیاسه العدل»، «العدل اقوی اساس» و «العدل اساس به قوام العالم»؛ میزان الحکمه، باب العدل، صص ۷۸-۹۰.

[۴۶] نهج‌البلاغه، فیض‌الاسلام، نامه ۵۳، ص ۹۸۸.

[۴۷] «من عدل تمکّن»، شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۲۷۵؛ «من عدل عظم قدره»، همان، ج ۵، ص ۱۹۳؛ «من عدل فی سلطانه استغنی من اَعوانه»، همان، ج ۵، ص ۳۴۳؛ «من کثر عدله حمدت ایامه»، همان، ج ۵، ص ۲۹۰؛ «من عدل فی سلطانه و بذل احسانه اعلی الله شأنه و اعزّ اعوانه»، همان، ج ۵، ص ۳۹۶.

[۴۸] «لن تحصّن الدول بمثل استعمال العدل فیها» شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۷۰؛ «من عمل بالعدل حصّن الله ملکه و من عمل بالجور عجل الله هلکه»، همان، ج ۵، ص ۳۵۵؛ «العدل جنّهُ الدول»، همان، ج ۲، ص ۶۲؛ «اعدل تدم لک القدره»، همان، ج ۲، ص ۱۷۸.

[۴۹] «العدل قوام البریّه»، عبدالکریم بن محمدیحیی قزوینی، زوال و بقا در کلمات سیاسی امیرالمؤمنان (ع)، ص ۹۹؛ «حسن العدل نظام البریّه»، همان، ص ۱۳۸؛ «عدل الساعه حیوه الرعیه و صلاح البریه»، همان، ص ۱۷۵؛ «بالعدل تصلح الرعیه»، شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۳۵۴؛ «العدل یستدیم المحبه»، بقا و زوال... در کلمات سیاسی امیرمؤمنان، ص ۱۰۰؛ «الانصاف یرفع الخلاف و یوجب الائتلاف»، همان، ص ۱۰۱.

[۵۰] «ما عمّرت البلدان به مثل العدل»، همان، ص ۱۹۳.

[۵۱] نهج‌البلاغه، فیض الاسلام، حکمت ۴۶۸، ص ۱۳۰۴.

[۵۲] ر.ک: عبدالله جوادی آملی، «اجرای عدالت، مهم‌ترین عامل بقای نظام»، روزنامه جمهوری اسلامی، شماره‌های ۳۰۸۲، ۲۳ دی

[۵۳] همان.

[۵۴] نهج‌البلاغه، فیض‌الاسلام، حکمت ۳۴۲، ص ۱۲۵۱.

[۵۵] همان، خطبه ۲۰۷، ص ۶۸۱.

[۵۶] «و اما وجه الانتفاع بی فی غیبتی فکالانتفاع بالشمس اذ غیبها عن الابصار السّحاب»، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۲.

[۵۷] «وانی امان لاهل الارض کما ان النجوم امان لاهل السماء»، همان، ج ۷۸، روایت ۱، باب ۳۰، ص ۳۸۰.

[۵۸] قال رسول الله (ص): «واهل بیتی امان لاهل الارض»، همان، ج ۲۳، روایت ۶۴، ص ۳۷، باب ۱.

[۵۹] همان، ج ۲۳، روایت ۱۰، باب ۱، ص ۵.

[۶۰] همان، ج ۱۰، ص ۱۰۴؛ تحف‌العقول، ص ۱۱۰. در نسخه تحف العقول حدیث این‌گونه روایت شده که این زن بر روی سرش زنبیل را قرار داده است.

[۶۱] بحارالانوار، ج ۵۱، روایت ۲۵، ص ۸۲.

[۶۲] همان، روایت ۳۵، ص ۸۴.

[۶۳] قال رسول‌الله (ص): المهدی من ولدی... یستخرج الکنوز و یفتح المدائن الشرك»، همان، باب ۱۸، ص ۹۶.

[۶۴] همان، ج ۲۷، روایت ۲۴، باب ۴، ص ۹۰.

[۶۵] «وله اسلم من فی السموات والارض طوعاً و کرهاً»، آل عمران/ ۸۳.

[۶۶] «اذا قـام القـائم (ع) لایبقی أرض الاّ نودی فیها بشـهاده ان لااله‌الاالله و أنّ محمـداً رسول‌الله»؛ میزان‌الحکمه، ج ۱، روایت ۱۲۴۷، ص ۲۹۴، (به‌نقل از تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۶۲).

[۶۷] میزان‌الحکمه، ج ۱، روایت ۱۲۴۰، ص ۲۹۳. (به‌فعل از مشکوه الانوار، ص ۸۰).

[۶۸] قـال اباعبـدالله (ع): «اذا قـام قـائم آل محمـد علیه و علیهم السـلام، حکم بین الناس بحکم داود لایحتاج الی بینه یلهمه الله تعالی فیحکم بعلمه»؛ بحارالانـوار، ج ۱۴، روایت ۲۳، باب ۱، ص ۱۴. قـال ابی جعفر (ع): «انه اذا قـام قائم آل محمـد حکم بحکم داود و سلیمان لایسال الناس بینه»؛ همان، ج ۲۳، روایت ۲۸، باب ۴، ص ۸۵.

[۶۹] «اذ قام قائم اهل البیت قسم بالسویه و عـدل فی الرعیه فمن اطاعه فقد اطاع الله و من عصاه فقد عصـی الله»، همان، ج ۵۲، روایت ۱۰۳، باب ۲۷، ص ۳۵۰؛ هم‌چنین ر.ك: همان، ج ۵۱، روایت ۱۵، ص ۸۱.

[۷۰] همان، ج ۵۱، روایت ۱۵، ص ۸۱.

[۷۱] همان، باب ۸، ص ۹۱؛ همان، باب ۱۷، ص ۹۵.

[۷۲] همان، ج ۵۲، ص ۳۱۰، روایت ۴، باب ۲۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خـدا جهاد نماییـد؛ این برای شـما بهتر است اگر بدانید حضـرت رضا (علیه السّـلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشـهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصـفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلـدادگی به اهلبیت (علیهم السـلام) بخصـوص حضـرت علی بن موسـی الرضـا (علیه السـلام) و امـام عصـر (عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف) شـهره بوده و لـذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسـی بنیانگـذار مرکز و راهی شـد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقـات قـائمیه اصـفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسـی تحت اشـراف حضـرت آیت الله حـاج سـید حسن امامی (قـدس سـره الشـریف) و بـا فعـالیت خالصـانه و شـبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشـگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شـیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السـلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسـی دقیق تر مسائـل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمنـد به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایـانه هـا ایجـاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّـلام با انگیزه نشـر معارف، سـرویس دهی به محققین و طلاـب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمنـدان به نرم افزار های علوم اسـلامی، در دسترس بودن

منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

